

## Components and Dimensions of Social Development in Development Programs

Faeze Joghataei<sup>1</sup>, Mir Taher Mousavi<sup>2</sup>,  
Mohammad Javad Zahedi<sup>3</sup>

فائزه جغتایی<sup>\*</sup>، میرطاهر موسوی<sup>\*\*</sup>، محمدجواد  
زاهدی<sup>\*\*\*</sup>

**introduction:** The concept of change, coupled with growth in various forms has always been of interest to scholars of social sciences. However, as of the twentieth century, special attention has been paid to the concept of development and planning to achieve the development turned out to be a worthy goal for most countries. This attention was intensified after the World War II due to the need to rebuild the destruction caused by war, as well as the independence of the former colonial countries. First, the Soviet Union started the planning and due to its success other countries more or less started to codify a comprehensive and focused plan (with extensive government intervention in all means of production of goods and services). Iran, alongside the onset of first experiences in planning in 1948, is a pioneer in this field. In this regard, after the victory of the Islamic Revolution five development programs

**مقدمه:** مفهوم تغییر توأم با رشد همواره به اشکال گوناگون مورد توجه اندیشمندان علوم اجتماعی بوده است ولی توجه اختصاصی به مفهوم توسعه و برنامه‌ریزی جهت نیل به توسعه‌یافتگی از قرن بیستم تبدیل به هدفی ارزشمند برای اکثر کشورهای جهان شد که در راستای رسیدن به شاخصهای آن نامه‌ریزی توسعه صورت گرفته است این توجه از بعد از جنگ جهانی دوم و نیاز به بازسازی ویرانیهای ناشی از جنگ، همچنین استقلال کشورهای مستعمره سابق شدت بیشتری یافت. برنامه‌ریزی ابتدا در کشور شوروی سابق انجام می‌شد که به دلیل موفقیت‌آمیز بودن آن سایر کشورها کم‌وبیش اقدام به تدوین برنامه جامع و متمرکز (همراه با مداخله گسترده دولت در تمامی وسایل تولید کالا و خدمات) نمودند. کشور ایران با آغاز نخستین تجربه برنامه‌ریزی در سال ۱۹۴۸ از پیشگامان این امر محسوب می‌شود. در این راستا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پنج برنامه توسعه

\* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، مرکز تحقیقات مدیریت رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، تهران، ایران

\*\* دکتر جامعه‌شناس، مرکز تحقیقات مدیریت رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) <trmousavi@gmail.com>  
\*\*\* دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه پیام نور

1. M.A. in Sociology
2. Ph.D in Sociology, <trmousavi@gmail.com>
3. Ph.D in Sociology

have been implemented. This study examines different dimensions and components of social development which have been addressed in these programs and evaluates and compares them.

**Methods:** This study is descriptive-analytical and it was conducted applying qualitative and quantitative content analysis. Through document analysis and literature review, the main and secondary dimensions and components of social development were extracted (eight core dimensions and forty-four subcategories). Accordingly, the content of the development program documents was analyzed and the examples of the programs which were in accordance with core dimensions and subcategories were analyzed in Excel applying quantitative content analysis.

**Results:** The study findings suggest that in the fivefold development programs, components of "education", "social security and support", "environmental protection", "optimal utilization of resources", "promoting science and technology" and "adjusted gap of deprived and rich areas" have been considered.

With regard to the components of "gender justice", "national cohesion", "ethnic convergence", "reduced religious divergence", "the youth", "the

به اجرا درآمده است که این تحقیق به بررسی ابعاد و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته در این برنامه‌ها و سیر تحول و مقایسه آنها می‌پردازد.

**روش:** این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و به روش تحلیل محتوای کیفی و کمی انجام گردید. با مطالعه اسنادی و مرور منابع، ابعاد و مؤلفه‌های اصلی و فرعی توسعه اجتماعی استخراج (هشت بعد اصلی و چهل و چهار زیرشاخه) شده و براین اساس، متن اسناد برنامه‌های توسعه مورد تحلیل محتوا قرار گرفته و موادی از برنامه‌ها که با جدول ابعاد اصلی و زیرشاخه‌ها تطابق داشت در محیط اکسل تحلیل محتوای کمی شدند.

**یافته‌ها:** در برنامه‌های توسعه پنج‌گانه توجه مشترکی به مؤلفه‌های «آموزش»، «حمایت و تأمین اجتماعی»، «حفاظت از محیط‌زیست»، «بهره‌برداری بهینه از منابع» و «علم‌گستری و فناوری» و «تعدیل شکاف مناطق محروم و برخوردار» شده است.

برای مؤلفه‌های «عدالت جنسیتی»، «همبستگی و انسجام ملی»، «هم‌گرایی قومی-نژادی»، «کاهش واگرایی مذهبی»، «جوانان»، «سالمندان»، «سلامت و ثبات خانواده»، «امنیت اجتماعی» یا سیاست‌گذاری صورت نگرفته یا سیاستها مبهم و کلی بوده‌اند.

**بحث:** با توجه به مقتضیات اجتماعی-فرهنگی جامعه ایران و روند رو به رشد آسیبهای اجتماعی، همچنین عدم دستیابی به جایگاه مناسب جهانی مبتنی بر سند

elderly”, “family health and stability”, “social security” either there have been no policies or policies have been vague

**Discussion:** Considering the socio-cultural requirements of Iran’s society and the growing trend of social problems, also lack of access to a proper global position based on vision plan, it is necessary to revise the development programs policies and pay more attention to the neglected components of the development documents.

**Keywords:** Development, development patterns, development plan, social development

چشم‌انداز، سیاست‌گذاری در برنامه‌های توسعه لازم است مورد بازبینی قرار گیرد و توجه بیشتر به مؤلفه‌های مغفول در اسناد توسعه راهگشا خواهد بود.

**کلیدواژه‌ها:** الگوهای توسعه، برنامه توسعه، توسعه، توسعه اجتماعی

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۱۵

## مقدمه

اندیشه پیشرفت و تحول همیشه در ذات جوامع بشری وجود داشته است ولی بعد از رنسانس اروپا و توجه بیشتر به مفاهیمی از قبیل رشد، تکامل و پیشرفت، به تدریج مفهوم مستقل «توسعه» پدید آمد. در طی قرن بیستم این مفهوم سیر معنایی پیچیده‌ای یافت و از ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی مورد بررسی و توجه قرار گرفت. تجربه دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ نشان داد که بسیاری از کشورهای درحال توسعه در مجموع به هدفهای سازمان ملل که عمدتاً به صورت «رشد اقتصادی» تعریف شده بود (ایجاد و تداوم رشد سالانه تولید ناخالص ملی با نرخ حداقل ۵ درصد) دست یافتند ولی وضعیت مردم این کشورها نه تنها بهبود نیافت بلکه نابرابری و فقر بحرانی‌تر نیز شد، همین امر موجب توجه بیشتر به توسعه اجتماعی تا دهه‌های پایانی قرن بیستم شد.

به صورتی که دهه ۱۹۹۰ همراه با تعهد بی سابقه جهانی به ابعاد اجتماعی توسعه، به نام «توسعه انسانی» نام گذاری گردید که محور آن انسان برخوردار از درآمد مناسب، دانش و طول عمر و بهداشت کافی است.

در ایران از سال ۱۳۲۷ شمسی اولین برنامه توسعه عمرانی کشور به اجرا درآمد. عنوان برنامه های توسعه پیش از انقلاب «برنامه عمران و آبادانی» بود و چنانچه از نام آن پیداست تأکید اصلی برنامه بر تولید و عمران و کشاورزی و ارتباطات و مخابرات و... بود. پنج برنامه عمرانی تا سال ۱۳۵۵ به اجرا درآمد و برنامه ششم به دلیل همزمانی با وقوع انقلاب اسلامی ناتمام ماند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل وقوع جنگ تحمیلی و تبعات آن حدود یک دهه کشور از برنامه توسعه ای محروم بود و از انتهای دهه شصت اولین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشور به اجرا درآمد. از آن تاریخ تاکنون پنج برنامه توسعه تدوین و به اجرا درآمده و امکان مشاهده و ارزیابی نتایج حاصله و نقد سیاستهای فوق فراهم است. این تحقیق به بررسی ابعاد و مؤلفه های توسعه اجتماعی در برنامه های پنج گانه توسعه به همراه روند تغییرات آنها می پردازد.

اهمیت توسعه اجتماعی به دلیل تأثیر آن بر سعادت و سلامت تمامی انسانهاست. نیل به توسعه اجتماعی و عدالت اجتماعی برای دستیابی به صلح و امنیت و حفظ آن، چه در درون ملتها و چه در میان آنها ضروری است و این هدف بدون قائل شدن احترام برای حقوق انسان و آزادیهای اساسی او امکان پذیر نخواهد بود. این ارتباط اساسی پنجاه سال پیش در منشور سند کنه‌هاگ سازمان ملل متحد (۱۹۹۵) مورد توجه بوده و امروزه با گذشت ایام

ضرورت آن بیش‌ازپیش احساس می‌شود. رشد اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت محیطی زنجیروار باهم در ارتباط‌اند و با تقویت یکدیگر عناصر لازم برای توسعه مستمر اجتماعی به حساب می‌آیند و چارچوب مناسبی برای نیل به یک زندگی بهتر برای همگان را تشکیل می‌دهند.

توسعه اجتماعی هسته اصلی نیازها و آمال «مردم سراسر جهان»، هسته اصلی نیازها و آمال «دولتها»، و هسته اصلی نیازها و آمال کلیه بخشهای «جامعه مدنی» را تشکیل می‌دهد. به لحاظ اقتصادی و اجتماعی، پربازده‌ترین سیاستها و سرمایه‌گذاریها آنهایی هستند که به مردم بیشترین فرصت را در بهره‌گرفتن از تواناییها، منابع و موقعیتهای می‌دهند (منشور سند کنه‌هاگ سازمان ملل متحد، ۱۹۹۵).

سیاستهای توسعه‌ای نهادهای مهم بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد در دهه‌های پایانی قرن بیستم و ورود به هزاره سوم توأم با توجه بیشتر به ابعاد و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی بوده است. اهداف اصلی توسعه هزاره سوم شامل کاهش فقر، دستیابی به آموزش، برابری جنسیتی، کاهش مرگ‌ومیر کودکان، مبارزه با ایدز، مالاریا و سایر بیماریها، تضمین پایداری محیط‌زیست، گسترش مشارکت و انسجام اجتماعی است (ارائی و همکاران، ۱۳۸۴).

هم‌راستا با این سیاست جهانی، در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران مانند قانون اساسی، سند چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه پنج‌ساله توجه بیشتری به بعضی ابعاد و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی صورت گرفت. تصویر جامعه آرمانی در قانون اساسی به صورت نظامی بر پایه کرامت و ارزش والای انسان و آزادگی توأم با مسئولیت او در برابر خدا فراهم آمده است (اصل دوم). در اصل سوم قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی موظف شده است به تأمین

آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه و تسهیل و تعمیم آموزش عالی، تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی، مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه، ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه، تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون (اصل سوم) در اصول دیگری از قانون اساسی وظایفی بر عهده دولت قرار گرفته است که هرچند از مقولات اقتصادی نیست اما انجام مؤثر این وظایف بدون توسل به نوعی برنامه‌ریزی صحیح و منظم ممکن نیست از جمله این وظایف می‌توان به فراهم کردن خدمات و حمایت‌های اجتماعی (اصل ۲۹)، تأمین وسایل آموزش رایگان (اصل ۳۰)، تأمین مسکن متناسب با نیاز (اصل ۳۱) اشاره کرد.

بر اساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی، ایران تا سال ۱۴۰۴ هجری شمسی باید کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه باشد همچنین برخوردار از سلامت، رفاه، تأمین اجتماعی، فرصتهای برابر، توزیع مناسب درآمد به دور از فقر، فساد و تبعیض و بهره‌مند از محیط‌زیست مطلوب (سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴). علی‌رغم توجه نسبتاً جامع به مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در اسناد بالادستی، کشور ایران هنوز در جایگاه مناسب بین‌المللی و منطقه‌ای قرار ندارد. در غیاب گزارش وضعیت اجتماعی داخلی، با مراجعه به برخی رتبه‌بندیهای جهانی جایگاه این کشور قابل تأمل است.

در رتبه‌بندی شاخص توسعه انسانی از سوی برنامه توسعه سازمان ملل (۲۰۱۵)، از بین ۱۸۸ کشور جهان ایران در جایگاه ۶۹ و رده کشورهای با توسعه انسانی بالا قرار گرفت ولی بین ده کشوری که در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در رده بالای توسعه انسانی هستند، ایران آخرین و دهمین کشور است. (گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد، ۲۰۱۵)

در رتبه‌بندی موسسه بین‌المللی مطالعات اجتماعی که هر پنج سال گزارشی با عنوان «شاخصهای توسعه اجتماعی» (فعالیت مدنی، باشگاهها و انجمنها، انسجام درون‌گروهی، اعتماد و امنیت میان‌شخصی، برابری جنسیتی، ادغام اقلیتها) ارائه می‌دهد، رتبه کلی ایران در سال ۲۰۰۵ برابر با ۸۵ و در سال ۲۰۱۰ برابر با ۹۹ از میان ۱۲۹ کشور بوده است (فاضلی، ۱۳۹۲).

در رتبه‌بندی کشورها توسط موسسه لگاتوم (۲۰۱۵) بر اساس هشت شاخص اقتصاد، فرصتهای کارآفرینی، حکمرانی، آموزش، سلامت، امنیت، آزادیهای شخصی و سرمایه اجتماعی، کشور ایران از بین ۱۴۲ کشور جهان در رتبه ۱۰۶ قرار گرفته است. ایران در شاخص آموزش رتبه ۶۵، سلامت ۶۷، امنیت اجتماعی ۱۲۰، سرمایه اجتماعی ۱۱۵ و در شاخص آزادیهای شخصی رتبه ۱۳۱ را داشته است. (لگاتوم، ۲۰۱۵)

در مجموع می‌توان گفت با توجه به ضرورت و اهمیت بحث توسعه اجتماعی و اجماع جهانی در این خصوص و جایگاه فعلی ایران در توسعه اجتماعی به استناد آمارهای فوق (علی‌رغم پیشگام بودن ایران در امر برنامه‌ریزی توسعه)، ضرورت بنیادین و غیرقابل چشم‌پوشی نگاه نقادانه به برنامه‌های گذشته و ارزیابی دقیق و اساسی آنها از ابعاد گوناگون جهت پیشگیری از مصرف مکرر و بی‌نتیجه و یا کم‌نتیجه منابع مشخص می‌گردد. از سوی دیگر در هزاره سوم، «سرعت» در امر

برنامه‌ریزی و دستیابی به اهداف تعیین شده از اهمیت ویژه برخوردار شده‌اند و در بسیاری از موارد در بین کشورها شاهد آسیب مهمی تحت عنوان فقدان «مدیریت زمان» هستیم به‌صورتی که گرچه زمان، به‌صورت حسابی سپری می‌گردد لیکن فرصتها به‌صورت تصاعدی حاصل شده و یا از دست می‌روند. نکات پیش‌گفته نشان‌دهنده ضرورت اصلی این تحقیق در خصوص بررسی سیاستهای اجتماعی اتخاذشده در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی خواهد بود، اینکه چه تعریفی از توسعه اجتماعی و چه ابعاد و ویژگیها و مؤلفه‌هایی از آن مدنظر برنامه‌ریزان بوده است؟ و آیا این سیاستهای اتخاذشده و مؤلفه‌های اجتماعی در برنامه‌های مختلف یکسان بوده و در قالب یک پیوستار منظم و نظم نظری خاص طراحی شده است یا خیر؟

#### پیشینه تجربی

در خصوص پنج برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی پژوهشهای متعددی صورت گرفته است که اهم و مرتبطترین آنها به قرار زیر است:

جوادی یگانه در سال (۱۳۸۲) در تحقیق خود با عنوان «تناقض ایدئولوژیک در دو برنامه اول و دوم توسعه در ایران» به این نتیجه رسید که در دو برنامه، اهداف، بیشتر سوسیالیستی و وسایل بیشتر لیبرالیستی بوده‌اند. میزان ناهمخوانی بین اهداف و وسایل در برنامه دوم، کمتر از برنامه اول بوده است.

حسینی در سال ۱۳۸۴ در تحقیق خود با عنوان «کاستیهای توسعه‌نیافتگی برنامه‌ریزی در ایران» به این نتیجه رسید که شکست الگوهای برنامه‌ریزی توسعه در ایران گویای این واقعیت است که باید با توجه به تحولات تاریخی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود، الگوی توسعه اقتصادی خویش را از بطن و



قلب مؤسسات علمی و دانشگاهی جوشیده از همین جامعه برگزینیم زیرا پس از گذشت پنج دهه برنامه‌ریزی، سازمان ملل نیز همین توصیه‌ها را به کشورهای جهان سوم پیشنهاد می‌کند.

غفاری و همکاران در سال (۱۳۸۷) در تحقیق خود با عنوان «کیفیت زندگی در برنامه‌های عمرانی و توسعه ایران» به این نتیجه رسیده‌اند که در هیچ‌کدام از برنامه‌ها، امور رفاهی و اجتماعی به سطح سیاست‌گذاری ارتقا نیافته‌اند و بیشتر از جایگاهی خدماتی برخوردار بوده‌اند. به مسائل اجتماعی از منظر اقتصادی نگاه شده و با تغییر دولتها نوع پنداشت از مفاد برنامه و به تبع آن در سازوکارهای اجرایی و عملی برنامه‌ها شاهد تغییرات قابل توجهی می‌شویم که در مجموع محصول و نتایج برنامه را به لحاظ اثربخشی تحت تأثیر قرار داده است.

امیدی (۱۳۹۱) در تحقیق خود با عنوان «تحلیل برنامه‌های عمران و توسعه ایران از منظر مؤلفه‌های برنامه‌ریزی اجتماعی» به این نتیجه دست یافته است که متغیرهای زمینه‌ای محیط سیاست‌گذاری، تأثیر اساسی بر متغیرهای ماهیتی و ساختاری دارند. همچنین، برنامه‌ریزی در ایران به لحاظ روش و فرایند تدوین، اجتماعی نشده است و اهداف اجتماعی نیز یا به‌عنوان ابزار رشد اقتصادی و یا به‌عنوان ابزاری برای کاهش پیامدهای منفی ناشی از سیاستهای مبتنی بر رشد اقتصادی مدنظر قرار داشته‌اند.

هزارجریبی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیق خود با عنوان «گفتمان عدالت در لوایح برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی» به این نتیجه رسیدند که با هژمونی گفتمان سازندگی بر فضای سیاسی و اجتماعی کشور، این گفتمان مفهومی از عدالت اجتماعی را بازنمایی نمود که بسیار متأثر از فضای سیاسی و اجتماعی کشور پس از جنگ و لزوم بازسازی خرابیهای ناشی از آن و حرکت به

سمت‌وسوی رشد اقتصادی به‌منظور تأمین منابع مالی مورد نیاز برای سازندگی بود. بر این اساس مفهومی اقتصادی با شاخصه اصلی رشد اقتصادی از سوی این دولت در بازنمایی از عدالت اجتماعی ارائه شد. اما گفتمان اصلاح‌طلبی با تأکید بر توسعه سیاسی، همراهی توسعه سیاسی با توسعه اقتصادی را در جهت تحقق عدالت اجتماعی با نشانه مرکزی کاهش فقر و محرومیت مطرح نمود و اما آخرین گفتمان، موسوم به گفتمان اصول‌گرای عدالت‌محور، که با غیرت‌سازی خود با گفتمانهای پیشین بر مبنای تعریف خاص از عدالت، اقدام به اجرای طرح تحول اقتصادی نمود. در این مرحله مفهوم عدالت، به معنای توزیع فرصتها و امکانات به‌طور مساوی به همه افراد و همه مناطق کشور به‌گونه‌ای که کل کشور باهم و هماهنگ پیشرفت کنند، بود. دولت، در کنار هدفمندی یارانه‌ها، خصوصی‌سازی به شیوه‌ای نوین یعنی پرداخت سهام عدالت را در دستور کار خود قرار داد.

فاضلی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیق خود با عنوان «توسعه اجتماعی، شاخصها و جایگاه ایران در جهان» به ارائه گزارشی از وضعیت کنونی توسعه اجتماعی در ایران و وضعیت رتبه‌ای کشور با سایر کشورهای جهان و کشورهای ۱۶ گانه منطقه پرداختند و به این نتیجه رسیدند که جایگاه ایران چندان مناسب نیست و نیازمند تأملی جدی پیرامون چرایی این امر و چگونگی بهبود و تغییر آن است. درمجموع تحقیقاتی که به برنامه‌های توسعه ایران پرداخته‌اند، به تناقض در اهداف و مواد برنامه‌ها، همسو نبودن گفتمان حاکم بر برنامه‌ها، عدم توجه کافی به مؤلفه‌های اجتماعی و سیاست‌گذاری لازم جهت این بعد از توسعه اشاره داشته‌اند. اما بررسیهای فوق به‌صورت کلی بوده و هیچ‌یک به جزئیات مواد

هر برنامه نپرداخته‌اند و در واقع سهمی از هر برنامه که به توسعه اجتماعی اختصاص یافته و همچنین توسعه اجتماعی مدنظر سیاست‌گذاران مبهم مانده که در این مقاله بدان پرداخته خواهد شد.

### چارچوب نظری

اگر چه در خصوص ثروت یا فقر کشورها امر قضاوت آسان است، شاخصهای ثروت که انعکاس دهنده «کمیت» منابع در دسترس برای یک جامعه هستند، درباره «تخصیص» آن منابع، اطلاعاتی فراهم نمی‌کنند (به‌عنوان مثال، چگونگی توزیع عادلانه درآمدها میان گروههای اجتماعی، چگونگی تقسیم منابع برای خدمات بهداشت و آموزش رایگان و اثرات تولید و مصرف در محیط زیست مردم). بنابراین جای تعجب ندارد که کشورهای مشابه با درآمدی متوسط به لحاظ شاخص «کیفیت زندگی» با یکدیگر تفاوت دارند. دسترسی به آموزش و مراقبتهای بهداشتی، فرصتهای شغلی، در دسترس بودن هوای پاک و آب آشامیدنی قابل اطمینان، تهدید و جرم و جنایت و ... با توجه به این نکات چگونه مشخص می‌شود که کشوری بیشتر توسعه یافته است یا کمتر؟

آیا هدف از توسعه فقط افزایش ثروت ملی است یا چیزی متفاوت از آن؟ ارتقا «به زیستن» well-being بخش عمده‌ای از جمعیت؟ اطمینان از آزادی مردم؟ افزایش امنیت اقتصادی آنها؟

### توسعه اجتماعی

بر اساس آخرین تعاریف سازمان ملل، «توسعه اجتماعی» فرایندی از تغییرات است که منجر به بهبود در «به زیستن» و «روابط اجتماعی» می‌شود که منصفانه‌تر

و سازگارتر با اصول حکومت دموکراتیک و عادلانه است. توسعه اجتماعی شامل هم دستاوردهای مادی مانند سلامت، آموزش و پرورش مناسب، دسترسی پایدار به منابع، کالاها و خدمات برای زندگی مناسب در یک محیط قابل پذیرش، و هم دستاوردهای غیرمادی با ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی مانند حس کرامت، امنیت و شمول اجتماعی و دستاوردهای سیاسی مربوط به فعالیت، مشارکت و بازنمایی<sup>۱</sup> است (موسسه مطالعات توسعه اجتماعی سازمان ملل، ۲۰۱۶).

درواقع آنچه امروز از آن با عنوان توسعه اجتماعی نام می‌بریم محصول تغییر رویکردهای توسعه از دهه ۱۹۷۰ به بعد و رونق آن در نتیجه افراط‌کاریهای برنامه‌ریزان اقتصادی میانه قرن بیستم و به‌ویژه دیدگاه تعدیل ساختاری دهه ۱۹۸۰ است. در توسعه اجتماعی علاوه بر نقش نهادهای دولتی در پاسخگویی به نیازهای انسانی، توسعه ظرفیتهای افراد و جوامع نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین یکپارچگی اهداف اقتصادی و اجتماعی، تغییرات و اصلاحات ساختاری و نهادی و افزایش ظرفیتهای فردی و اجتماعی و تأمین مشارکت شهروندان از عناصر اصلی این مفهوم می‌باشند (قانع‌راد، ۱۳۸۴).

آنچه مسلم است توسعه اجتماعی به معنایی که از دهه ۱۹۹۰ میلادی رایج شده است در جهت مشارکت آحاد مردم در امور جامعه، پذیرش حقوق آنان و طبعاً روشن ساختن وظایفی است که همراه حقوق یاد شده مطرح می‌شوند بدین‌گونه توسعه اجتماعی در جهت رفع تبعیض و ایجاد فضای اجتماعی مناسب برای بروز تواناییهای بالقوه انسانها گام بر می‌دارد (پیران، ۱۳۸۴).

---

1. Representation

2. United Nations Research Institute for Social Development (UNRISD)

## نظریه‌های توسعه اجتماعی

در زمینه توسعه اجتماعی، پنج دیدگاه نظری اصلی را می‌توان در ادبیات ملاحظه نمود که به شرح زیر است:

۱. رویکرد «نیازهای اولیه» متأثر از پذیرش حق برخورداری از نیازهای اولیه انسانها (آموزش، بهداشت، خوراک، پوشاک، مسکن) به‌عنوان حقی بشری است (اصغرپورماسوله و همکاران، ۱۳۹۳) هدف اصلی توسعه اجتماعی برآورده کردن کل نیازهای اساسی بشریت- امری که از جامعه‌ای به جامعه دیگر با توجه به نیازها، گرایشها و محدودیتها فرق می‌کند- است و هدف کلیدی، بهبود کیفیت زندگی محسوب می‌شود (مدنی، ۱۳۹۴؛ به نقل از جاکوب، ۱۳۸۷). این نوع توسعه، متعهد بر استفادهٔ خلاقانه از «قدرت دولت» در تخصیص منابع به نفع محرومان جامعه، بسیج سیاسی محرومین برای مطالبهٔ منابع از جامعه و مشارکت دادن آحاد مردم در فرایند توسعه و تبعیت سازوکار بازار از محاسبات اجتماعی است (اصغرپورماسوله و همکاران، ۱۳۹۳).

۲. رویکرد «تکاملی» که بر اساس آن هدف اصلی توسعهٔ اجتماعی برقراری نظم اجتماعی و نتیجهٔ آن یکپارچگی اجتماعی است و وقوع توسعهٔ اجتماعی به شرط نهادینه شدن توسعه‌های انسانی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است (اصغرپورماسوله و همکاران، ۱۳۹۳). بر اساس این دیدگاه فرایند توسعه اجتماعی پیشرفتی خطی و پیچیده دارد که نتایج هر یک از مراحل با مرحله قبلی ارتباط تنگاتنگی دارد، درست به همین دلیل به آن رویکرد تکاملی گفته می‌شود، براین اساس توسعه اجتماعی محصول «تغییر اجتماعی» است که اغلب از آن با عنوان مدرنیزاسیون نام برده می‌شود (مدنی، ۱۳۹۴).

۳. رویکرد «کارکردگرایی» که چهار حوزه توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی

و اجتماعی را به‌عنوان چهار عنصر توسعه ملی مطرح می‌کند و هر یک را دارای هویت و استقلال نسبی می‌داند. در اینجا توسعه اجتماعی به معنای بسط و تحکیم اجتماع جامعه‌ای است که یکی از حوزه‌های چهارگانه حیات اجتماعی انسان در هر جامعه است و هدف توسعه اجتماعی رسیدن به نقطه مطلوب است که توسط بعد هنجاری توسعه اجتماعی مشخص می‌شود (اصغرپورماسوله و همکاران، ۱۳۹۳).

۴. رویکرد «ساختارگرا» فرایند ایجاد دگرگونیهای بنیادی در ساختارها و روابط اجتماعی با انگیزه اهداف «ادغام اجتماعی»، «انسجام اجتماعی» و «پاسخگو کردن کارگزاران»، امکانات و سازمانهای صاحب قدرت توسعه اجتماعی است (اصغرپورماسوله و همکاران، ۱۳۹۳).

۵. بر اساس رویکرد «تلفیقی» یا رویکرد بیانیه کپنهاگ، توسعه اجتماعی و عدالت اجتماعی برای نیل به صلح و امنیت و تداوم آن برای ملت ضروری است و بر این مهم تأکید شده که توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفظ محیط‌زیست در رابطه متقابل با یکدیگر بوده و چهارچوب توسعه پایدار را تشکیل می‌دهند که هدف آن ارتقای کیفیت زندگی برای همه آحاد بشر است (اصغرپورماسوله و همکاران، ۱۳۹۳).

#### ابعاد و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی

سازمان ملل متحد در اولین سند خود در خصوص توسعه اجتماعی در سال ۱۹۵۴ برای سنجش معیارها و سطوح توسعه اجتماعی که در آن زمان سطوح زندگی نام‌گذاری شده بود این مؤلفه‌ها را برشمرده است؛ بهداشت شامل شرایط جمعیت شناختی، غذا و تغذیه، آموزش و پرورش شامل مواد و مهارت

آموزی، شرایط کار، وضعیت اشتغال، مصرف کل پس اندازها، حمل و نقل، مسکن شامل تسهیلات خانگی، پوشاک، تفریح و استراحت، امنیت اجتماعی، آزادیهای بشری (زاهدی، ۱۳۹۰).

در اجلاس کپنهاگ (۱۹۹۵) جهت تحقق توسعه اجتماعی و با توجه به چالشهای فرارو، ده اقدام مورد تأیید قرار گرفت و کشورهای امضاکننده متعهد به اقدام به این موارد شدند. این ده مورد تا حدود زیادی معنا و مفهوم توسعه اجتماعی و حیطه‌های مرتبط با آن را مشخص می‌سازند؛ ۱- ایجاد فضای قابلیت‌زا برای توسعه اجتماعی در سطح ملی و بین‌المللی ۲- تلاش برای ریشه کنی فقر ۳- تلاش برای دستیابی به اشتغال کامل ۴- تلاش در جهت دستیابی به یکپارچگی اجتماعی ۵- اقدام برای بهبود وضعیت زنان ۶- اقدام در جهت دسترسی برابر شهروندان به آموزش و بهداشت ۷- تخصیص مناسب منابع به اولویتهای توسعه اجتماعی ۸- ادغام اهداف توسعه اجتماعی در برنامه‌های تعدیل ساختاری ۹- تلاش برای تسریع در توسعه کشورهای آفریقایی و سایر کشورهای کم‌توسعه‌یافته ۱۰- تقویت همکاریها برای توسعه اجتماعی از طریق نظام ملل متحد (پیران، ۱۳۸۴).

بر اساس مرور منابع داخلی و خارجی جامع‌ترین ابعاد و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی را می‌توان به شرح جدول (۱) بیان نمود.

جدول (۱) علميیاتی سازی توسعه اجتماعی در برنامه‌های توسعه

مؤلفه‌ها		ابعاد توسعه اجتماعی
تعدیل شکاف مناطق محروم و برخوردار-تعدیل شکاف فقیر و غنی-توزیع متناسب منابع توزیع ثروت در جامعه-عدالت اقتصادی	عدالت اقتصادی	عدالت
عدالت جنسیتی-دستیابی جامعه به اطلاعات-دسترسی به خدمات بهداشتی، سلامت- دسترسی به امکانات آموزشی	عدالت اجتماعی	
کاهش واگرایی مذهبی و دینی-افزایش همگرایی قومی نژادی-همبستگی و انسجام ملی -مشارکت اجتماعی-اعتماد اجتماعی		سرمایه اجتماعی
حمایت اجتماعی-دسترسی به خدمات زیربنایی-خدمات سلامت و بهداشت و درمان -سیاستهای جمعیتی-اشتغال- مسکن-سلامت و ثبات خانواده- وضعیت سالمندان-وضعیت جوانان-تأمین اجتماعی-آموزش فنی و حرفه‌ای -آموزش و پرورش-باسوادی جمعیت عمومی -آموزش عالی-برخورداري از امکانات اوقات فراغت-تغذیه		رفاه اجتماعی
بهره‌برداری بهینه از منابع -آمایش سرزمین-حفاظت از محیط‌زیست		پایداری
ارتقای کار و بهره‌وری-شهروندی-علم گستری-نظم اجتماعی		اخلاق توسعه اجتماعی
امنیت فردی-امنیت عمومی -امنیت قضایی-امنیت اقتصادی-پیشگیری از آسیبهای اجتماعی		امنیت اجتماعی

با بررسی منابع در این خصوص می‌توان گفت ابعاد و مؤلفه‌های توسعه سیری از سادگی (تقلیل به ابعاد کیفیت زندگی) تا پیچیدگی (سرمایه اجتماعی و امنیت فردی و پایداری) را طی کرده‌اند. در همه دیدگاهها و رویکردها به توسعه، تغییر ارزشهای ذهنی، ساخت اجتماعی، نهادهای ملی و شیوه حکمرانی با هدف افزایش تواناییها و رفاه ملت، به ویژه تسریع رشد اقتصادی و کاهش فقر مورد توجه است.



## روش

نوع پژوهش حاضر با توجه به اینکه مورد مطالعه اسناد مکتوب موجود است، از نوع تحلیل محتوا است. تحلیل محتوا از تکنیک‌های مربوط به روش اسنادی در پژوهش علوم اجتماعی است. روش اسنادی به کلیه متدهایی گفته می‌شود که در آنها هدف پژوهش با مطالعه، تحلیل و بررسی اسناد و متون برآورده می‌شود. چنانچه از نام تحلیل محتوا پیداست، این تکنیک به تحلیل و آنالیز محتوا می‌پردازد و می‌کوشد با استفاده از تحلیل، داده‌هایی را در مورد متن استخراج کند. در این پژوهش جهت تعیین ابعاد و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی هر برنامه، متن پنج سند توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی سیاسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان جامعه آماری تحلیل محتوا شد. در ابتدا بر اساس مرور منابع موجود، جدولی جامع از کلیه ابعاد و مؤلفه‌ها تنظیم گردید که شامل شش طبقه اصلی عدالت، سرمایه اجتماعی، کیفیت زندگی، پایداری، فرهنگ توسعه اجتماعی، امنیت و ۴۲ مقوله است. جهت تحلیل محتوای مواد برنامه، چنانچه ماده‌ای به لحاظ موضوعی در دو یا چند زیرطبقه قابلیت انتخاب داشت، با توجه به مواد قبل و بعد و همچنین چگونگی قرار گرفتن در سرفصلهای اسناد طبقه‌بندی انجام می‌گرفت.

در تحقیق حاضر با توجه به اینکه هدف، فقط شمارش فراوانی و تقلیل متن به تعداد داده‌ها نیست، در بخشی که رویکردهای گوناگون توسعه‌ای از محتوای پنهان و ضمنی در متن مبانی نظری (یا اهداف کلان) استنباط می‌شود از روش کیفی استفاده شده است (روش کیفی تحلیل محتوا که گاهی استنباط نتایج بر اساس بودن یا نبودن ویژگی‌هایی که در پیام تعریف شده است، غالباً برای

اجرای بهتر مسائل در علوم اجتماعی - کاربردی مورد توجه قرار گرفته است) و در بخشی که ابعاد و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی از متن اسناد توسعه استخراج می‌شوند و تعداد آنها در هر برنامه و روند آنها در پنج برنامه مقایسه می‌گردد از روش کمی (در تحلیل کمی، از شمارش واحدهای محتوایی استفاده می‌شود و تلاش می‌شود تا ویژگی‌های خاصی در متن اندازه‌گیری شود). استفاده شده است. با توجه به اینکه در متن اسناد توسعه کشور مواد برنامه از یکدیگر به‌طور کامل تفکیک شده‌اند و از طرفی هر ماده به‌طور مستقل ممکن است از چند جمله یا یک جمله تشکیل شده باشد واحد ثبت «جمله» در نظر گرفته شده است که هر واحد ثبت مطابق یک ماده یا تبصره از برنامه می‌باشد. روش کدگذاری، «کدگذاری باز» بوده به این ترتیب که در حین مطالعه متن اسناد، به هر پاراگرافی که محقق را به هدف مطالعه می‌رساند یک کد جداگانه داده شد. از آنجایی که ابعاد و مؤلفه‌های تحقیق از مرور منابع استخراج شده بودند، روش کار تحلیل محتوای جهت‌دار<sup>۱</sup> (قیاسی) بود. تلاش شد تا با درگیری طولانی مدت با داده‌ها<sup>۲</sup> و تطابق مواد استخراجی با جدول ابعاد و مؤلفه‌ها دسته‌بندی دقیقی صورت پذیرد. مقوله‌های تحلیل محتوا شش بعد اصلی ذکر شده در جدول بالا بوده که هر کدام به مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های مربوطه تقسیم شدند.

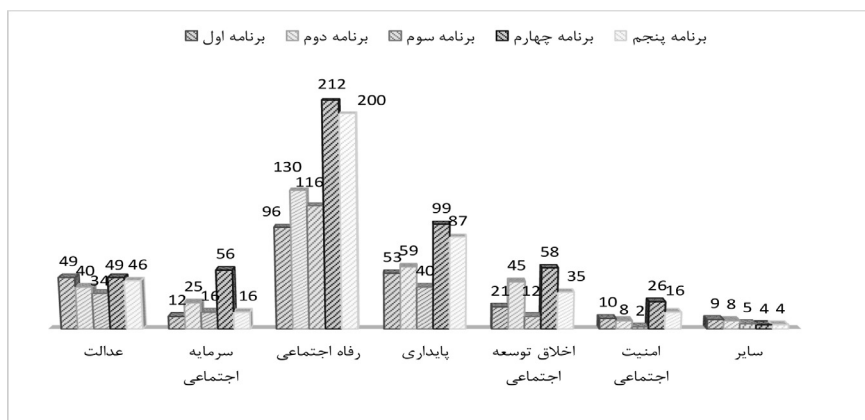
## یافته‌ها

در کل اسناد پنج برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ۱۶۹۸ ماده و تبصره و بند به توسعه اجتماعی اختصاص داده شده است که در برنامه اول ۲۵۰ مؤلفه، برنامه دوم ۳۱۴ مؤلفه، برنامه سوم ۲۲۵ مؤلفه، برنامه چهارم ۵۰۴ مؤلفه و

1. directed content analysis
2. prolonged engagement with data

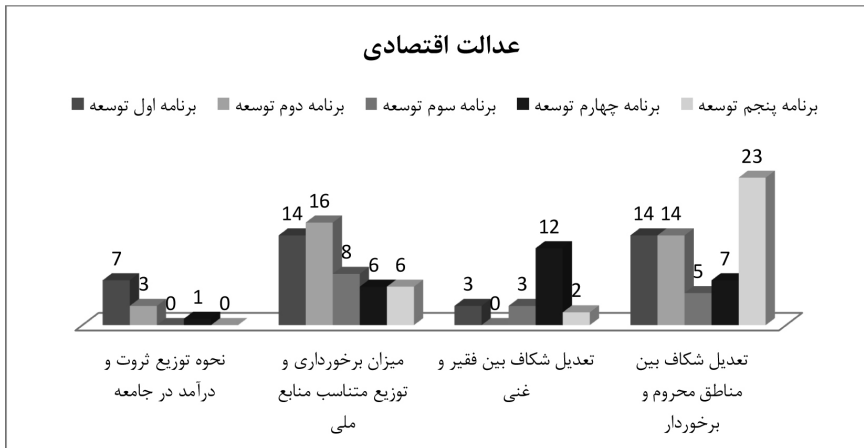
برنامه پنجم ۴۰۳ مؤلفه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته‌اند. بنابراین می‌توان ادعا نمود در برنامه چهارم بیشترین توجه به مؤلفه‌های توسعه اجتماعی شده است و اجتماعی‌ترین برنامه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بوده و برنامه سوم کمترین توجه به مؤلفه‌های توسعه اجتماعی داشته است. در شکل (۱) میزان توجه به ابعاد اصلی توسعه اجتماعی در هر برنامه نمایش داده شده است.

شکل (۱) هفت بعد اصلی توسعه اجتماعی در پنج برنامه توسعه



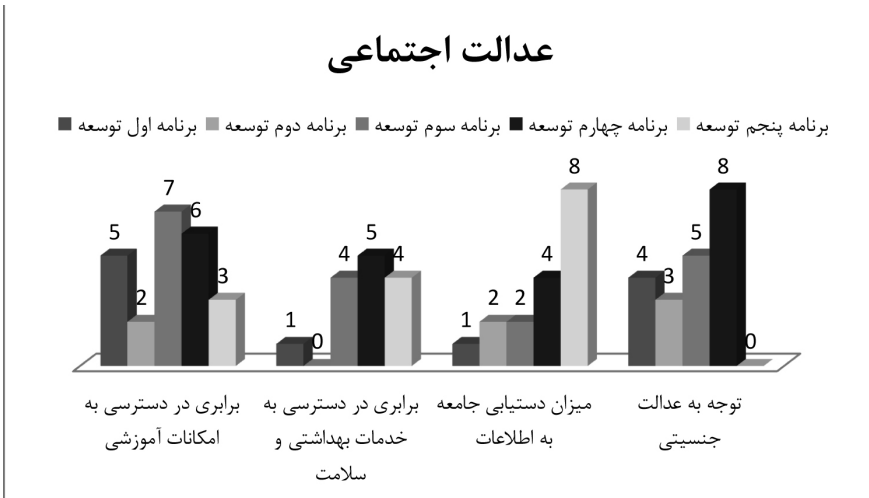
در خصوص مؤلفه عدالت اقتصادی همان‌طور که در نمودار (۲) مشاهده می‌گردد بیشترین توجه در برنامه اول و دوم توسعه صورت گرفته است که از میان زیرمؤلفه‌های آن در خصوص «میزان برخورداری و توزیع متناسب منابع ملی» و «تعدیل شکاف بین مناطق محروم و برخوردار» بیشترین سیاست‌گذاری صورت گرفته است.

شکل (۲) نمودار درصد مؤلفه‌های عدالت اقتصادی در پنج برنامه توسعه



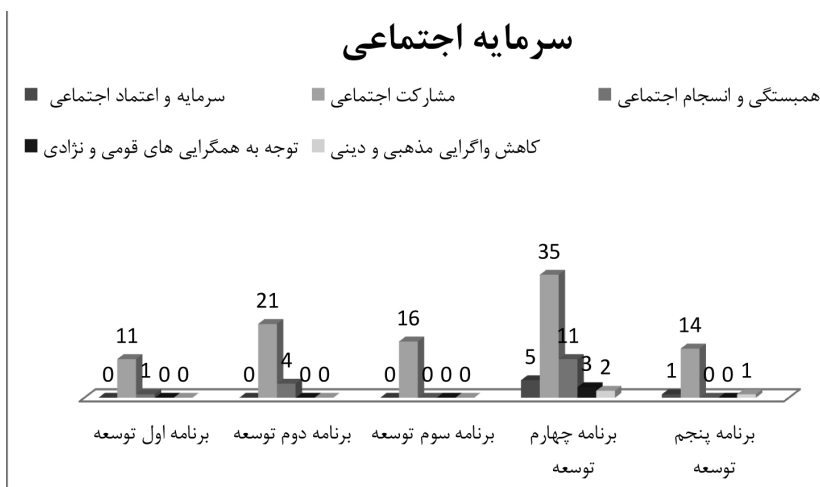
برای مؤلفه عدالت اجتماعی چنانچه در نمودار (۳) مشاهده می‌گردد بیشترین سیاست‌گذاری در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه صورت گرفته است که از میان زیرمؤلفه‌های این دو برنامه «برابری در دسترسی به امکانات آموزشی» و «توجه به عدالت جنسیتی» مورد توجه بیشتری بوده‌اند. در برنامه دوم توسعه به زیرمؤلفه «برابری در دسترسی به خدمات بهداشتی و سلامت» و در برنامه پنجم توسعه به زیرمؤلفه به «عدالت جنسیتی» توجهی صورت نگرفته است.

شکل (۳) نمودار درصد مؤلفه‌های عدالت اجتماعی در پنج برنامه توسعه



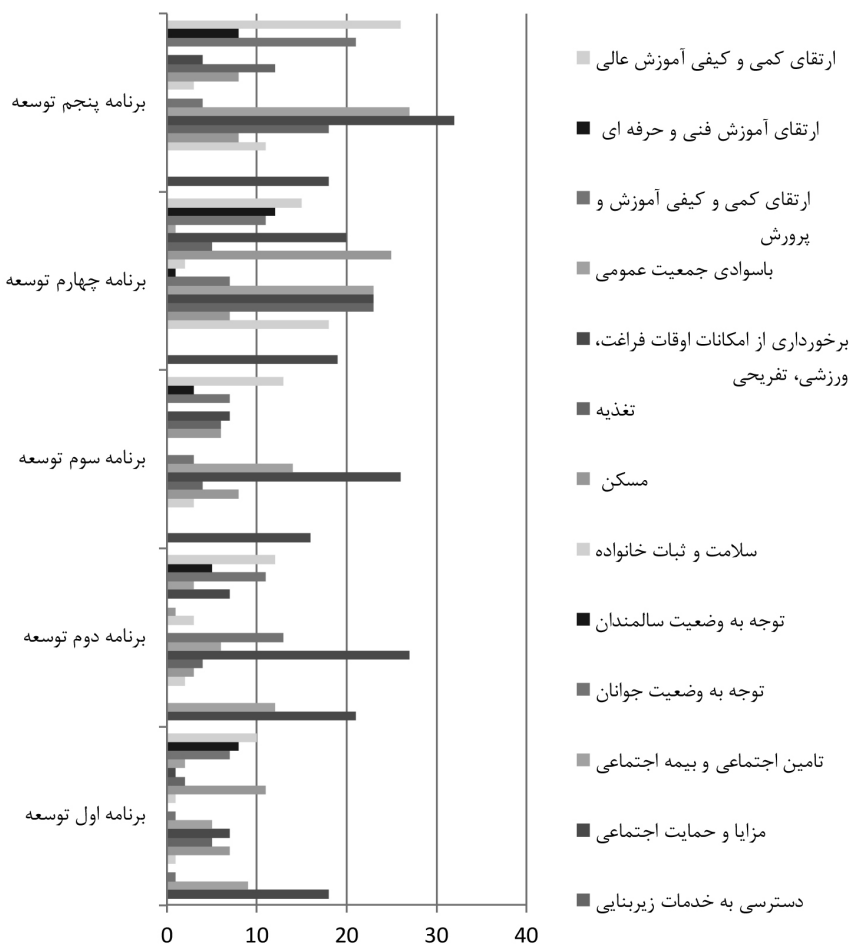
برای بعد سرمایه اجتماعی بیشترین سیاست‌گذاری چنانچه در نمودار (۴) مشخص است در برنامه چهارم توسعه صورت گرفته است. در تمام برنامه‌های توسعه از میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بیشترین اقبال و توجه سیاست‌گذاران به «مشارکت اجتماعی» بوده است. به مؤلفه «اعتماد اجتماعی» در برنامه‌های اول و دوم و سوم هیچ توجهی صورت نگرفته است و به مؤلفه‌های «کاهش واگرایی و افزایش هم‌گرایی مذهبی و قومی و نژادی» به جز در برنامه چهارم هیچ توجهی صورت نگرفته است. در برنامه‌های سوم و پنجم مؤلفه «همبستگی و انسجام ملی» مغفول مانده است.

شکل (۴) نمودار مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در پنج برنامه توسعه



برای بعد رفاه اجتماعی چنانچه در نمودار (۵) مشاهده می‌شود در برنامه چهارم توسعه بیشترین و در برنامه اول کمترین سیاست‌گذاری صورت گرفته است. از برنامه اول و دوم به سه مؤلفه «رشد جمعیت»، «مرگ و میر کودکان» و «امید به زندگی» توجهی صورت نگرفته است. به مؤلفه «وضعیت سالمندان» تنها در برنامه سوم و چهارم توسعه هر کدام یک ماده توجه شده است. بیشترین توجه به مؤلفه‌های «حمایت اجتماعی» و «تأمین اجتماعی» و همچنین «ارتقای نظام آموزش عالی» بوده است.

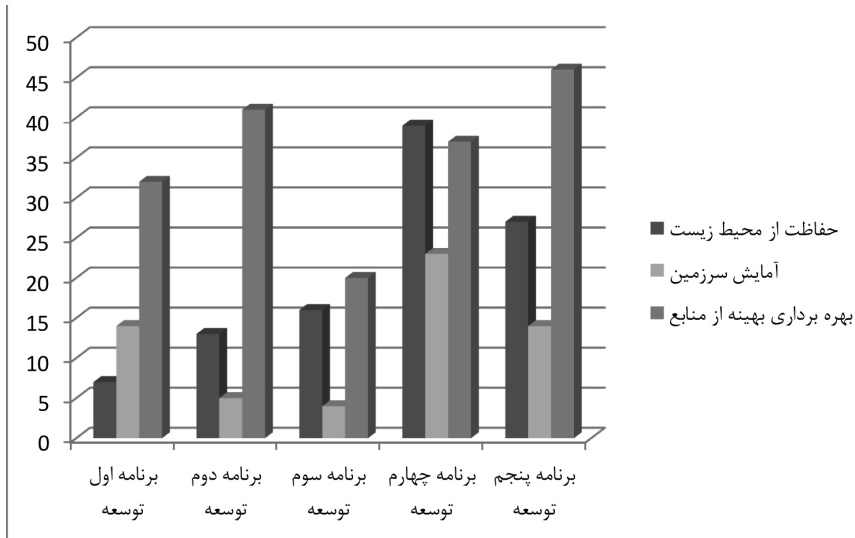
شکل (۵) نمودار مؤلفه‌های رفاه اجتماعی در پنج برنامه توسعه



مؤلفه‌های مربوط به بعد پایداری در تمام برنامه‌های توسعه موردتوجه و اقبال سیاست‌گذاران بوده‌اند. درواقع از میان شش بعد اصلی این تحقیق برای

دو بعد رفاه اجتماعی و پایداری بیشترین سیاست‌گذاری صورت گرفته است.

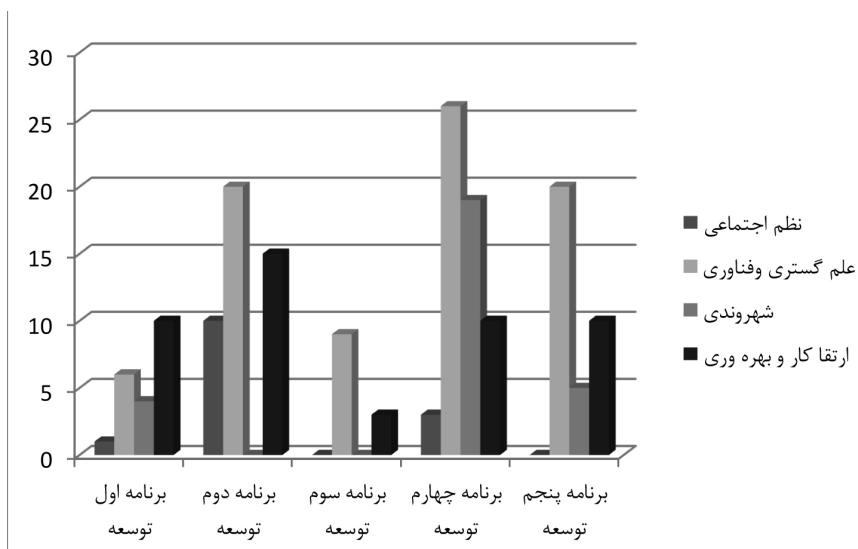
شکل (۶) نمودار مؤلفه‌های پایداری در پنج برنامه توسعه



چنانچه در نمودار (۷) نشان داده شده است در مجموع ۵ برنامه بیشترین توجه به مؤلفه‌های «علم‌گستری و فناوری» و «ارتقای کار و بهره‌وری» و کمترین توجه به مؤلفه «شهروندی» شده است. از بین ۵ برنامه برای بعد «اخلاق توسعه اجتماعی» در برنامه چهارم توسعه بیشترین سیاست‌گذاری صورت گرفته است.

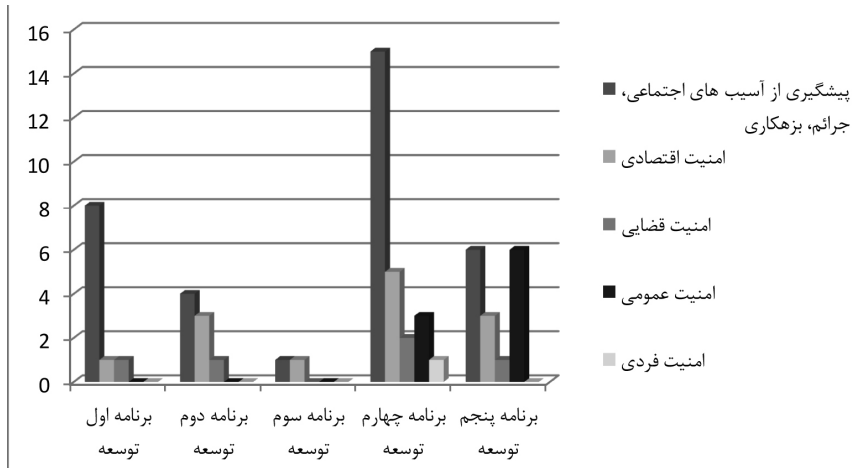


شکل (۷) نمودار مؤلفه‌های اخلاق توسعه اجتماعی در پنج برنامه توسعه



در بعد امنیت اجتماعی سیاست‌گذاری کمی صورت گرفته است که بیشترین آن در برنامه چهارم توسعه بوده است. برای مؤلفه «امنیت فردی» تنها یک ماده در برنامه چهارم توسعه اختصاص یافته است. مؤلفه «امنیت عمومی» نیز در برنامه اول تا سوم مورد توجه سیاست‌گذاران نبوده است.

شکل (۸) نمودار مؤلفه‌های امنیت اجتماعی در پنج برنامه توسعه



## بحث

نظام برنامه‌ریزی برآمده از مبانی نظری و فضای فکری در بستری از شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است در برنامه‌ریزی برای توسعه کشور آنچه اهمیت دارد این است که سیاست‌های برنامه‌ها در راستای قانون اساسی و سند چشم‌انداز بوده و در درون برنامه‌ها نیز سیاست‌ها تا جای ممکن در یک جهت و با ثبات و با حداقل نوسان پیش روند، چرا که در یک دوره پنج ساله مشاهده نتایج مثبت و روند قابل دستیابی نیست و چنانچه در هر برنامه سیاست‌ها چرخش و نوسان اساسی داشته باشند و بر زیربنای یکدیگر استوار نباشند به نقطه مطلوب نخواهد رسید، همچنین ضروری است که سیاست‌های اتخاذ شده بر مبنای مقتضیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و منطبق با وضعیت اجتماعی ایران، با نگاه جهانی و بین‌المللی باشد.

بر اساس یافته‌های این تحقیق، در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین ابعاد اجتماعی مورد توجه به ترتیب اولویت شامل (۱) رفاه اجتماعی، (۲) پایداری، (۳) عدالت اجتماعی، (۴) اخلاق توسعه اجتماعی، (۵) سرمایه اجتماعی و (۶) امنیت اجتماعی بوده‌اند و مؤلفه‌هایی که در تمام برنامه‌های به‌صورت ثابت و نسبتاً افزایش‌یابنده مورد سیاست‌گذاری واقع شده‌اند؛ برخورداری متناسب از منابع ملی، تعدیل شکاف بین مناطق محروم و برخوردار، دستیابی جامعه به اطلاعات، مشارکت اجتماعی، خدمات سلامت، دسترسی به خدمات زیربنایی، تأمین و حمایت اجتماعی، آموزش، حفاظت از محیط‌زیست، آمایش سرزمین، بهره‌برداری بهینه از منابع، علم‌گستری و فناوری بوده‌اند که در موارد فوق می‌توان ادعا نمود اهداف پنج برنامه واجد خصلت هم‌راستایی و هم‌افزایی بوده‌اند.

مسئله قابل توجه دیگر، عدم تناسب سیاست‌گذاری اجتماعی برنامه‌ها با مقتضیات و تغییرات اجتماعی حاصله در جامعه ایران است. یافته‌ها حاصل از ضعف سیاست‌گذاری مربوط به خانواده در برنامه‌های پنج‌گانه است، در مجموع ۱۶۹۸ ماده و بند و تبصره فقط ۹ ماده به این مؤلفه مهم اختصاص داده شده است که در برنامه اول و دوم تنها اشاره‌ای کلی و مبهم در سطح حفظ قداست خانواده بوده است، این در حالی‌ست که آمارها در ثبات نهاد خانواده بحران قابل توجهی را نشان می‌دهند، نسبت طلاق به ازدواج در سال ۱۳۷۵ برابر با ۱۲/۶٪ بوده که در سال ۱۳۸۰ به ۱۰/۶٪ و در سال ۱۳۹۴ به ۴/۳٪ (یعنی به ازای هر ۴/۳ ازدواج یک طلاق) رسیده است (ثابت احوال، ۱۳۹۴) و با توجه به روند رو به رشد طلاق در کشور عدم سیاست‌گذاری متناسب با آن نکته‌ای قابل تأمل است. همچنین در خصوص مؤلفه‌های بعد سرمایه اجتماعی مانند اعتماد اجتماعی،

افزایش انسجام قومی و نژادی و کاهش واگرایی مذهبی به جز برنامه چهارم در برنامه دیگری سیاست‌گذاری مناسبی صورت نگرفته است که با توجه به شرایط و تغییرات حاصله در جامعه ایران و تنوع قومیت‌ها، نژادها و مذاهب، همچنین نتایج تحقیق سنجش سرمایه اجتماعی در ایران (موسوی، ۱۳۸۶) مبنی بر پایین بودن میزان سرمایه اجتماعی و غلبه گونه قدیم آن بر جدید و نقش منفی آن از لحاظ جلوگیری از تحقق انسجام جمعی در سطح ملی و ضرورت تقویت سرمایه اجتماعی جدید به‌ویژه در بعد روابط انجمنی و پیامدهای مثبت آن از طریق اصلاح و بهبود محیط اجتماعی کنش‌گران فردی و جمعی، تقویت نهادهای مدنی و اصلاح بینشها و کنشهای افراد، نکته قابل توجهی می‌باشد.

در بعد امنیت اجتماعی نیز سیاست‌گذاری ناقص و بدور از واقعیتهای جاری جامعه ایران است، به مؤلفه امنیت فردی در کل برنامه‌ها تنها یک مورد در برنامه چهارم توسعه توجه شده است، همچنین برای مؤلفه‌های امنیت قضایی و امنیت عمومی سیاست‌گذاری بسیار کمی صورت گرفته و در مورد پیشگیری از آسیبهای اجتماعی نیز با توجه به روند شیوع آسیبها در کشور اقدامات لازم صورت نگرفته است چنانکه در مورد اعتیاد در برنامه اول و دوم تنها به جمله کلی بسیج کلیه امکانات جهت ریشه کنی اعتیاد و مفساد اجتماعی بسنده شده و در برنامه سوم و پنجم هیچ ماده‌ای اختصاص داده نشده است. در مورد سیاستهای پیشگیرانه از ویروس نقص سیستم ایمنی و بیماری ایدز که پرداختن به آن از هشت آرمان اصلی توسعه هزاره سازمان ملل بوده است تنها در برنامه چهارم توسعه یک ماده اختصاص داده شده است.

در بعد رفاه اجتماعی، مؤلفه ارتقای سلامت جسمی، روانی، معنوی بخش سلامت روانی به صورت شایسته‌ای مورد توجه قرار نگرفته و در کل برنامه‌ها تنها

۵ ماده و بند و تبصره به آن پرداخته است که ۳ مورد آن در برنامه چهارم بوده و این در حالی است که یافته‌های پیمایش ملی سلامت روان وزارت بهداشت در سال ۱۳۹۳ نشان از آن دارد که ۲۳/۶٪ افراد ۱۵ الی ۶۴ سال کشور دچار یک یا چند اختلال روانپزشکی در یک سال قبل از پیمایش بوده‌اند، همچنین حدود یک سوم افراد بزرگسال جامعه در طول یک سال گذشته احساس نیاز به مراجعه برای مشکلات اعصاب و روان داشته‌اند (رحیمی موقر، ۱۳۹۳).

در خصوص دو گروه سنی جوانان و سالمندان نیز برنامه‌ها توجه مبتنی بر شرایط خاص این دو گروه سنی را در روند زمان اتخاذ نکرده‌اند. سیاست‌گذاری در مورد جوانان روندی یک‌دست نداشته و در مجموع ۵ برنامه از ۲۸ ماده اختصاص داده شده به جوانان به ترتیب برنامه اول ۱ ماده، برنامه دوم ۱۳ ماده، برنامه سوم ۴ ماده، برنامه چهارم ۷ ماده و برنامه پنجم ۳ ماده بوده‌اند که عمدتاً در راستای ایجاد شغل، الگوهای رفتاری و بهبود اوقات فراغت جوانان بوده و در مجموع با رشد بالای جمعیت ۲۰ الی ۳۰ سال کشور (این جمعیت در سال ۱۳۶۵ برابر با ۷۸۴۶۰۲۱ نفر و در سال ۱۳۹۰ برابر ۱۷۰۸۷۱۵۱ نفر بوده است) و مساعد بودن زمینه گسترش آسیب‌های اجتماعی در این سنین همخوانی ندارد.

سالمندان «گروه به فراموشی سپرده شده» دیگر برنامه‌ها هستند. در مجموع ۱۶۹۸ ماده تنها دو ماده به سالمندان اختصاص داده شده است این در حالی است که جمعیت بالای شصت سال کشور در سالهای ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۹۰ به ترتیب ۲۶۸۶۳۵۰ نفر، ۳۹۷۸۱۲۷ نفر، ۶۱۵۹۶۷۶ نفر بوده‌اند و بالا رفتن شاخص امید به زندگی افزایش تعداد سالمندان را در سالهای آتی خواهد داشت (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱).

درعین حال توسعه اجتماعی می‌بایست علاوه بر لحاظ کردن ویژگیها و

تفاوت‌های بومی و فرهنگی، با نگاه به سیاست‌های جهانی و بین‌المللی پیش رود. براین اساس می‌توان گفت در برنامه‌های پنج‌گانه کشور مؤلفه‌های ذیل هم راستا با سیاست‌گذاری جهانی از دهه ۱۹۹۰ به بعد نبوده‌اند؛ برابری جنسیتی، اعتماد اجتماعی، همبستگی و انسجام اجتماعی<sup>۱</sup>، افزایش هم‌گرایی قومی و نژادی، کاهش واگرایی مذهبی و دینی، امنیت و آزادیهای فردی، اجتماعی، کاهش طرد اجتماعی<sup>۲</sup>.

نتیجه نهایی حاصله از این پژوهش حاکی از آن است که علی‌رغم هم‌گامی و هم‌زمان بودن شروع برنامه توسعه ایران با کشورهای توسعه‌یافته جهان، با گذشت حدود هفتاد سال در تدوین ساختارمند و هدفمند اسناد برنامه به دستاوردهای کافی و مناسب حتی در سطوح پایه‌ای نرسیده‌ایم، در عین حال پنج برنامه توسعه در ایران فاقد مبانی نظری منظم و پیوسته بوده و به‌صورت جدی برگرفته از شرایط سیاسی و نحوه تلقی و سلیقه‌ها و دیدگاه‌های مدیران بخشی، سیاسی و اجرایی برنامه‌ریزی بوده و عملاً به‌صورت یک خط پیوستار ارتقا یابنده و تکمیل شونده و هم‌افزا اجرا نمی‌شود و علی‌رغم اجرای ده برنامه عمرانی در قبل و بعد از انقلاب و ورود به یازدهمین تجربه برنامه‌ریزی طی هفتاد سال، کماکان نظام برنامه‌ریزی کشور از فقدان انسجام در رویکرد نظری برنامه و ابعاد و مؤلفه‌هایی که اولاً حتی‌الامکان با مؤلفه‌های مورد اجماع جهانی سازگار باشد و ثانیاً در سطح داخلی جامعه با مقتضیات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی هماهنگ باشد رنج برده و به‌عنوان یک آسیب حائز اهمیت بایستی موردتوجه و چاره‌اندیشی قرار گیرد.

1. social inclusion
2. social exclusion

بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد مواد و تبصره‌ها و بندهای پیش‌بینی‌شده در برنامه‌های پنج‌گانه (شامل ۱۶۹۸ مورد) ضمن اینکه از فراوانی غیرمتعارفی برخوردار هستند (که ناشی از انتخاب برنامه جامع و فراگیر می‌باشد) این تنوع خود موجب اغتشاش و نابسامانی در حوزه توسعه اجتماعی شده و حتی گاهی جهت‌گیری‌های آن‌چندان منطبق بر کاستیها، آسیبها و نیازهای جدی‌تر جامعه (مانند هم‌گرایی و انسجام ملی، اعتماد اجتماعی، امنیت و آزادیهای فردی و اجتماعی و ...) نیست.

نکته حائز اهمیت دیگر در این پژوهش، کاستیهای مربوط به سنجش و ارزیابی میزان تحقق مواد برنامه‌های توسعه اجتماعی است؛ بنحوی که تکرار مداوم بعضی از مواد و مغفول ماندن بعضی از مواد طی برنامه‌های مختلف حاکی از عدم برنامه‌ریزی صحیح از تحقق مواد برنامه بوده و لذا نظام پایش و ارزیابی از تحقق هر یک از مواد و تبصره‌های مربوط به حوزه توسعه اجتماعی و لحاظ‌نمودن آن در نحوه تدوین برنامه بعدی از اصول ضروری است که پیشنهاد و توصیه می‌شود.

نکته آخر اینکه با وجود اینکه برنامه جامع و فراگیر ملی طی پنج سال و بیشتر به دلیل متغیرهای تغییردهنده و غیرقابل پیش‌بینی، آسیب‌پذیر است (تحولات سیاسی گسترده، انقلابها، تغییرات گسترده اجتماعی، نوسانهای شدید منابع درآمدی کشور به‌ویژه کشورهای که دارای منابع تک‌محوری مانند نفت هستند و جهت‌گیریهای ناشی از تغییرات مدیران سیاسی از جمله این تنشهاست) لذا روی آوری به مدل مرکبی از برنامه‌های منطقه‌ای و هسته‌ای<sup>۱</sup> که با هدف قرار دادن مشکلات توسعه و با توجه به اهداف کلان درصدد رفع آنها بر می‌آیند در کنار «برنامه‌های استراتژیک» بلندمدت که با نگاه به اهداف و شرایط داخلی

#### 1. core planning

و خارجی شکل می‌گیرند و برنامه‌های «کوتاه مدت» که مبتنی بر پذیرش محیط سیال و لزوم برنامه‌ریزی متناسب با آن در افق زمانی کوتاه‌تری شکل می‌گیرد، می‌تواند الگوی مطلوبی از ساختار برنامه ارائه دهد. با توجه به استفاده نکردن از برنامه‌های جامع در برنامه‌ریزی کشورهای موفق جهان و هفت دهه برنامه‌ریزی و دهه‌های نامشخص که در آینده بایستی برنامه توسعه تدوین شود بایستی سازوکار جدیدی را تجربه کرد که امید است مورد عنایت برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران قرار گیرد.



- ارائی، س. م. م. و دیگران (۱۳۸۴). *آرمانها و اهداف توسعه هزاره*. گزارش گروه توسعه سازمان ملل متحد.
- اصغریور ماسوله، ا. ر.، روشنفکر، پ. و کلانتری، ع. ح. (۱۳۹۳). *توسعه اجتماعی در شهر تهران*. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- امید، ر. (۱۳۹۱). تحلیل برنامه‌های عمران و توسعه ایران از منظر مؤلفه‌های برنامه‌ریزی اجتماعی. *برنامه‌ریزی و بودجه*، ۱۷(۴)، ۹۷-۱۱۴.
- پیران، پ. (۱۳۸۴). جهانی سازی و توسعه اجتماعی. در: *مجموعه مقالات توسعه اجتماعی*، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- جواد یگانه، م. ر. (۱۳۸۲). تناقض ایدئولوژیک در دو برنامه اول و دوم توسعه در ایران، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۸، ۱۲۰-۸۹.
- حسینی، ع. (۱۳۸۴). کاستیهای توسعه‌نیافتگی برنامه‌ریزی توسعه در ایران، *مجموعه مقالات همایش چالشها و چشم‌اندازهای توسعه ایران*، جلد اول، تهران، مؤسسه عالی آموزشی و پژوهش مدیریت.
- رحیمی موقر، آ. و دیگران (۱۳۹۳). *پیمایش ملی سلامت روان ۹۰-۱۳۸۹*. تهران: انتشارات مه‌رسا.
- زاهدی، م. ج. (۱۳۹۰). *توسعه و نابرابری*. تهران: انتشارات مازیار.
- *سازمان ثبت احوال کشور* (۱۳۹۴). آمار طلاق. دسترسی از: <https://www.sabteahval.ir/default.aspx?tabid=4821>
- *سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران*، دسترسی از: <http://www.dolat.ir/PDF/20years.pdf>.
- فاضلی، م.، فتاحی، س. و زنجان رفیعی، س. ن. (۱۳۹۲). توسعه اجتماعی، شاخصها و جایگاه ایران در جهان. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی*، ۱۲(۱)، ۱۵۹-۱۸۲.
- غفاری، غ.، امید، ر. (۱۳۸۷). کیفیت زندگی در برنامه‌های عمرانی و توسعه ایران. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۸(۳۰-۳۱)، ۳۳-۹.
- قانع‌راد، م. ا. (۱۳۸۴). رویکرد توسعه اجتماعی به برنامه‌های فقرزدایی در ایران. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۵(۱۸)، ۲۶۳-۲۹۸.
- *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، دسترسی از: [http://rc.majlis.ir/fa/content/iran\\_constitution](http://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution).
- مدنی قهفرخی، س. و روشنفکر، پ. (۱۳۹۴). *توسعه اجتماعی: مفهوم شناسی و سنجش*. تهران: نشر بازتاب.
- موسوی، م. ط. (۱۳۸۶). *بررسی و سنجش سرمایه اجتماعی در ایران*. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

- مرکز آمار ایران (۱۳۹۱). *سالنامه آماری کشور*. تهران.
- هزارجریبی، ج؛ صفری شالی، ر. (۱۳۹۲). گفتمان عدالت در لوایح برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی (با تأکید بر کاهش فقر و محرومیت)، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۶۱.
- UNDP (2015). *Human Development Reports*. Available on: <http://hdr.undp.org/en/humandev>.
- *The Legatum Prosperity Index*, Available at: [www.legatum.com/news/the-2015-legatum-prosperity-index](http://www.legatum.com/news/the-2015-legatum-prosperity-index).
- UNIRSD (2016). *Transformations to Equity and Sustainability: UNIRSD Strategy 2016-2020*. Available on: [http://www.unrisd.org/80256B42004CCC77/\(httpInfoFiles\)/AA1325A0788B08EBC1257F1D005A3FA3/\\$file/Transformations\\_to\\_Equity\\_and\\_Sustainability\\_UNIRSD\\_Strategy\\_2016-2020.pdf](http://www.unrisd.org/80256B42004CCC77/(httpInfoFiles)/AA1325A0788B08EBC1257F1D005A3FA3/$file/Transformations_to_Equity_and_Sustainability_UNIRSD_Strategy_2016-2020.pdf)